

قال النبي عليه السلام: من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين

بیست و چهارمین محفل فقهی احناف گلستان و خراسان شمالی ترکمن صحراء

گرد آورنده الحاج گلدی آخوند کمالی

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه محمد وعلى آله وصحبه اجمعين

اما بعد: مسائل مورد بحث از جمله مسائلی است که در کتب سلف در این باره، مورد خاصی صراحتاً یافته نمی شود لذا از مسائل مستحدثه می باشد و فتوای علماء معاصر را می طلبد .

در بین علماء ترکمن صحراء بررسی دقیق و جامعی تا حال انجام نگرفته، و از محفل فقهی ترکمن صحراء در این باره سؤال شده است لذا اعضای محفل تصمیم گرفتند در جلسه آتی مورخ: ۱۴/۱۱/۱۳۸۹ این موضوع را مورد بررسی قرار دهند .

بنده هم طبق وظیفه تحقیقات خودم را به صورت خلاصه در جزوه مختصری در سه مورد عنوان می کنم :

۱) حکم تناول میگو در عربی رو بیان

۲) کپی ممنوع و قسم بر روی برخی نرم افزارها

۳) محاذاة النساء فی الحرمین الشریفین

مسئله اول

حکم تناول میگو در عربی رو بیان

یکی از مسائل مورد بحث حکم تناول میگو بوده آیا حلال گوشت است یا حرام میگو حیوانی است در آب زندگی می کند نزد ائمه ثلاثه حیوانات آبی کلا حلال است اما در نزد ابوحنیفه رحمه الله حیوان آبی کلا حرام است به جز انواع ماهی لذا جواز خوردن گوشت میگو در حنفی تعلق به ماهی بودن آن دارد « فیؤکل ویستوی فی حل الأکل جمیع أنواع السمک من الجریت، و المار ما هی و غیرهما لأن ما ذکرنا من الدلائل فی إباحة السمک لا یفصل بین سمک و سمک إلا ما خص بدلیل » لذا احتیاج به شناخت کامل ماهی داریم که آیامیگو از انواع ماهی است یاخیر؟

ماهی یک مهره‌دار خونسرد و آبش‌دار است که در آب زندگی می‌کند. ماهیها (با بیش از ۲۷۳۱۵ گونه) یک گروه پراتبار (پارافیلیتیک)<sup>[۱]</sup> هستند و به سه گروه ماهیهای استخوانی (استیکتیس Osteichthyes)، با (۲۲۰۰۰ گونه)، ماهیهای غضروفی (کندریکتیس Chondrichthyes با بیش از ۸۰۰ گونه) و گروههای مختلف ماهیهای بدون آرواره (۷۵ گونه) از جمله ماهی‌های مکنده و دهان‌گرد (hagfish) تقسیم می‌شوند. ماهیها در اندازه‌های مختلف به چشم می‌خورند و طول آنها از ۴۵ فوت مثل کوسه نهنگی تا ۸ میلی متر مثل گویی کوتوله (dwarf goby) متغیر می‌باشد. جانوران آبی دیگر همانند عروس دریایی و ماهی مرکب ماهیهای حقیقی نیستند.

برای نمونه برخی از ماهیان چون صخره‌های ناهنجار و برخی مانند کرمهای لولنده هستند. بعضی تخت و مسطح چون کلوچه آردی و پاره‌ای مانند توپ هستند. ماهیان همه گونه رنگی دارند. یعنی همه رنگ‌های رنگین کمان بسیاری از ماهیان رنگهای روشن همچون رنگهای درخشان و روشن پرندگان. سرخ تند زرد آبی و ارغوانی و صدها نمونه و گونه رنگ زیبا و دلربا و طرح‌های راه راه و خطوط شبیه توری یا نقطه چین دارند.

کوچک‌ترین ماهی پیگمی گابی فیلیپینی است که کمتر از ۱۳ میلیمتر در کمال رشد طول دارد. بزرگ‌ترین ماهی شارک وال می‌باشد که در رشد کامل ۱۸ متر طول و ۱۴ تن وزن دارد. این ماهی جانوران کوچک دریایی و گیاهان را می‌خورد و به طور کلی بی‌آزارتر از ماهیان دیگر نسبت به انسان است. خطرناکترین ماهی تنها چند کیلوگرم وزن دارد. سنگ ماهی که برآمدگی زهرداری دارد که می‌تواند با زهرش آدمی را در چند دقیقه بکشد. ماهی‌ها تقریباً در همه آبها زندگی می‌کنند: در آبهای در نقطه یخ زدن قطب شمال و در رودها و جویبارهای بخارآلود جنگلهای استوایی و در جویبارهای خروشان کوهستانها و در آبهای رودهای آرام زیرزمینی. برخی از ماهیان سفرها و مهاجرت‌هایی سرتاسری اقیانوسی می‌کنند. ماهیان دیگر بیشتر زندگی خود را درون شنها و کف اقیانوسها می‌گذرانند. بیشتر ماهیان هرگز آب را ترک نمی‌گویند. اما برخی از ماهیان ممکن است ماهها در بستر خشک رودخانه زنده بمانند.

یک نوع ماهی به نام آناباس در سواحل فیلیپین، مالزی و مشرق هند وجود دارد که پس از این که بر اثر طغیان آب از آب دریا بدور و در برکه‌ای خشک شد از میان گل و لای خزان خزان همچون خزندگان راه می‌روند تا خود را به دریا برسانند. ماهیان برای آدمی اهمیت بسیار دارند، خوراک میلیون‌ها نفر از مردم از ماهی فراهم می‌شود عده‌ای برای تفریح به شکار ماهی می‌روند و بسیاری آنها را همچون جانوران دست آموز در آکواریوم و غیره نگه می‌دارند. ماهیان در تعادل طبیعت نقش مهمی دارند. ماهیان گیاهان و جانوران آبی را می‌خورند و باز خوراک گیاهان و جانوران می‌گردند و ماهیان تعادل مجموع کلی گیاهان و جانوران کرده زمین برقرار می‌سازند.

همه ماهیان مهره دار و دارای آلت تنفسی مخصوصی برای دم و بازدم در آب و خونسرد هستند. ماهیان نمی‌توانند حرارت بدن خود را با حرارت محیط اطراف خود میزان کنند. بعلاوه تقریباً همه ماهیان باله‌ها و پره‌هایی دارند که در شنا کردن به کار می‌روند. جانوران آبی دیگر مانند دلفین‌ها و وال‌ها شبیه ماهی به نظر می‌رسند گرچه مهره دار و باله دار می‌باشند ولی بر خلاف ماهیان بچه‌ها هستند و بچه‌های خود را شیر می‌دهند به علاوه بر خلاف ماهیان با شش دم و بازدم می‌کنند همچنین خونگرمند.

خصوصیات ماهی‌ها :

ماهی‌های زیادی در دریا زندگی می‌کنند که از لحاظ شکل، رنگ، اندازه، نوع غذا، نوع رفتار، محل زندگی با هم تفاوت دارند.

از لحاظ نوع غذا ماهی‌ها را می‌توان به ۳ گروه اجمالی زیر تقسیم کرد:

الف) گوشت خوار مانند: اسکار، کوسه ماهی، پیرانیا و غیره ب) همه چیز خوار مانند: گربه ماهی ج) گیاه خوار مانند: مولی

از لحاظ رفتار می‌توان رفتارهای زیر را برای ماهی‌ها عنوان نمود:

الف) ماهی‌های صلح جو با رفتار مسالمت آمیز مانند گلدفیش، گوپی، مولی و غیره ب) ماهی‌های با رفتار خشن مانند پیرانها، کوسه ماهی، اسکار و غیره ج) ماهی‌های انزوا طلب مانند مارماهی، سفره ماهی و غیره د) ماهی‌هایی با زندگی گروهی مانند پیرانها، بارب و غیره

از لحاظ زندگی ماهی‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم می‌کنند:

الف) آب شور مانند کوسه ماهی، نهنگ، دلفین و غیره ب) آب شیرین مانند بارب، قزل آلا و غیره ج) سطح آب

د) لایه‌های میانی آب ر) اعماق آب و کف دریا

اسکلت بعضی از ماهی‌ها غضروفی است مانند کوسه ماهی، اره ماهی، ماهی خاویار، سفره ماهی و غیره. داشتن باله و آبشش ماهی را برای زیستن در آب سازگار می‌کند. بیشتر ماهی‌ها دارای فلس هستند. به نوع خاصی از فلس پولک گفته می‌شود.

ماهی‌ها از طریق آبشش تنفس می‌کنند. آبشش ۲ نوع است، ۱- داخلی ۲- خارجی، آبشش‌های داخلی آبشش‌هایی هستند که پوششی دارند ولی آبشش‌های خارجی پوششی ندارند. ماهی‌ها وقتی رشد می‌کنند، پولک‌هایی در می‌آورند که با دیگر پولک‌ها تفاوت دارد و به راحتی تشخیص داده می‌شوند. دو خط جانبی روی پهلوهای ماهی است که از سلول‌های حساسی ساخته شده است، که به وسیله آن ماهی از تغییرات محیط خود با خبر می‌شود. بادکنکی در شکم ماهی وجود دارد که ماهی می‌تواند هوا وارد یا خارج از آن کند و بدین وسیله وزن خود را تغییر دهد و سبک و سنگین شود.

بوم‌شناسی ماهی

ماهیها را می‌توان تقریباً در همه نوع آب، چه شیرین چه شور، چه کم عمق درست زیر سطح آب و چه با عمق هزاران متر یافت. ولیکن دریاچه‌های بسیار شور همانند [دریاچه گریت سالت](#) Great salt lake واقع در ایالت [یوتای](#) آمریکا زیستگاه خوبی برای زندگی ماهیها نیست. بعضی از گونه‌های ماهی فقط جهت نگهداری و نمایش در اکواریوم پرورش داده می‌شوند. ماهی‌ها به‌عنوان یک منبع مهم مواد غذایی بشمار می‌آیند. دیگر جانوران آبی نظیر نرم تنان و سخت پوستان که معمولاً ماهی صدف نامیده می‌شوند. اغلب زمانی به‌عنوان ماهی در نظر گرفته می‌شوند که به‌عنوان غذا مورد استفاده قرار گیرند. گرفتن ماهی به‌عنوان غذا و یا به منظور ورزش، ماهی‌گیری نامیده می‌شود. برداشت سالانه از تمام حوزه‌های ماهیگیری جهان در حدود ۱۰۰ میلیون تن می‌باشد.

چگونگی حرکت ماهی‌ها

ماهی به وسیله حرکت دادن قسمت عقبی بدن خود به سمت جلو حرکت می کند. ماهیچه های که دو طرف ستون فقرات (اسخوانهای پشتی) او را پوشانده اند حرکت دم او را کنترل می کنند ماهی ابتدا این ماهیچه را به یک طرف می کشاند و بعد به طرف دیگر و هم زمان دم خود را از یک طرف به طرف دیگر حرکت می دهد و به این ترتیب به جلو حرکت می کند ماهیها برای حرکت به سمتهای راست و چپ و همچنین بالا و پایین از باله های خود استفاده می کنند.

اسامی میگو

میگو در عربی القریدس، جرادالبحر، روبیان، اربیان و در لغت های فارسی ملخ دریایی ملخ بی بال و ملخ آبی معروف است.

تعریف میگو از نظر اهل لغت عربیه

۱- المنجد: القریدس: جنس سمک صغیر بقدر الجراة او اکبر قليلاً يشبهها وهو من القشريات العشارية الاقدام

المنجد صفحه ۶۱۹

۲- قال الجوهري الاربيان بكسر الهمزة نوع من السمك لسان العرب

۳- والاربيان بالكسر سمك قاموس المحيط

۴- فذكر غير واحد من اهل اللغة انه نوع من السمك قال ابن دريد في جمهرة اللغة واربیان ضرب من السمک واقره

في القاموس وتاج العروس ج ۱ ص ۱۴۶

۵- قال الدميري في حيوة الحيوان الروبيان هو السمك الصغير جدا احمر

(ناظم الاطباء) ورجوع به تركيب بعد شود ماهی روبیان ربيان ملخ دریایی را گویند و نمک زنند و ناپخته

خورند و گاهی نیز در روغن بپزند و داخل طعام کنند و با طعام خوردند و آن را در فارسی در بنادر میگو گویند و به

عربی جرادالبحر خوانند لغت نامه دهخدا

۶- (الروبيان) هو سمک صغیر جدا احمر (الخواص) ان طرحت رجل الروبيان في شراب من يحب الشراب ابغضه

ورقبته يبخر بها فيسقط الجنين و اذا دق الروبيان وهو طری و ضمده به موضع الشوك السهم الغائض في البدن اخرجه

بسهوله وان ساق مع الحمص الاسود وضمد به السرة اخرج حب القرع وان جفف وسحق واكتحل به صاحب الغشاوة نفعه وان سحق مع سکنجین و شرب اخرج حب القرع من الجوف قاله عبدالملک بن زهر

۷- حیاة الحیوان: جراد البحر: الشریف: هو حیوان بحری له رأس مربع ما هو وله فیما یلی رأسه صدف خزفی وبعضه لا خزف علیه ولها من کلا الجانبین عشر أید طوال شبيهة بالعنکب إلا أنها کبار جداً، ولها قرنان دقیقان قائمان ولها فی مواضع شواربها قرنان دقیقان وعینان بارزتان متدلّتان من رأسها، وهذا الجراد حار یابس يؤکل مشویاً ومطبوخاً ومن أراد طبخها یسلقها بالماء الحار فإنه یکثر لحمها ویطبخ بعد ذلك کیف شاء، وأجود ما يؤکل مشویة فی الفرن ولحمها فیما حکاه أطباء المغرب الأوسط خاصة ینفع من الجذام وإذا أحرقت بجملتها فی قدر الفرن وسحقت و شرب من سحیقها ۷ أيام متوالية فی کل يوم درخیمان بماء الحمص فتت الحصى التي فی الکلی والمثانة.

حیاة الحیوان

از نظر علمای علم لغت عربی امثال ابن درید و غیره میگو از نوع ماهی محسوب می شود .

و حال چند نوع از انواع بی شمار ماهی را از لغت نامه دهخدا باتصاویر آن انتخاب کردیم که به شرح ذیل می باشد :

تعریف میگو از نظر زیست شناسان

لازم به ذکر است که زیست شناسان امروزی در ماهیت میگو با لغویون سابق اختلاف نظر دارند از نظر زیست شناسان میگواز خانواده خرچنگ ها می باشد و نمونه ای از نظرات آنها را می آوریم :

۱- لغت نامه دهخدا: میگو جانوری است از شاخه بند پایان واز رده سخت پوستان واز دسته خرچنگهای دراز که دارای جثه نسبتاً کوچک است پاهای جلوییش فلقد انبرک است میگو در دریاها می زیست و گونه از آن در خلیج فارس و دریای عمان فراوان است و چون خوراکی است بمقدار بسیار از آن صید می کنند ملخ دریایی ملخ بی بال جراد البحر ملخ آبی قریدس

۲- سخت پوستان شامل نرم تنان ، و کروسئاسه میباشد . نرم تنان خود شامل صدف خوراکی ، حلزون های دوکفه ای و صدف های باریک که در داخل یک لاک یا صدف سخت از کربنات کلسیم زندگی کرده و اغلب در یک نقطه ثابت و بی حرکت می باشند . کروسئاسه ها شامل میگو لابستر ( شاه میگو ) و خرچنگ است

وسطح خارجی بدن آنها از پوست کتینی سخت پوشیده شده که در سراسر بدن ادامه داشته و بوسیله تعدادی از حلقه های سخت که از طریق یک لایه خارجی نازک و قابل انعطاف که به یکدیگر متصلند، شکل گرفته است. این لایه خارجی سخت و محکم از نظر رشد ظاهراً "یک مانع اساسی محسوب شده، ولی با جدا شدن و افتادن تمام لایه خارجی سخت بدن در دوره های منظم این مشکل برطرف گردیده، بنحوی که زمانی که پوسته کاملاً جدا میگردد، بلافاصله بدن با جذب آب از پوسته سریعاً رشد کرده و پس از متورم شدن، با اناشتن و ذخیره سازی کلسیم در مدت کوتاهی و توسط باز جذب از پوسته که از چندین ساعت تجاوز نمیکند، مجدداً پوسته سخت تشکیل میگردد و لذا افزایش دفعات پوست اندازی رشد تامین میگردد.

میگواز نظر علماء تشیع

علت جواز خوردن میگو و حرمت خوردن سرطان و خرچنگ دریایی چیست؟ لطفاً توضیح دهید که فرق جنس و نوع و پوست این دو چیست؟

برای روشن شدن مطلب چند نکته را باید تذکر دهیم:

چون اولاً: نیازمند داشتن امکانات وسیع، در ابعاد مختلف علمی است.

ثانیاً: بشر هر قدر از نظر علم و صنعت پیشرفت کند، باز معلومات او در برابر مجهولاتش، قطره ای است در برابر

دریا "جز اندکی از دانش به شما داده نشده است" [۱]

و شاید علت عدم بیان علت و فلسفه تمام احکام، از سوی اولیای الهی دین، یکی این بوده که بیان تمام اسرار

احکام برای انسان هایی که بسیاری از حقایق علمی هنوز برایشان کشف نشده، مانند گفتن معما و لغز است، که

چه بسا موجب تنفر شنوندگان گردد، امام علی (ع) می فرماید: "مردم، دشمن آن چیزی هستند که نمی دانند" [۲]

لذا اولیای الهی در حد فهم انسان ها به بعضی از علت ها و فلسفه های احکام اشاره نمودند.

علاوه این که، هدف از دین و شریعت، آراستگی انسان ها به خوبی های علمی و عملی، و اجتناب از زشتی های

فکری و عملی است، این هدف با عمل به شریعت به دست می آید و لو این که افراد فلسفه و علت احکام را ندانند؛

نظیر این که مریض با انجام دادن دستورات پزشک، بهبودی را به دست می آورد و لو فایده و فلسفه دارو و

دستورات پزشکی را نداند.

مضافاً این که مؤمنان، چون اطمینان و یقین دارند به این که دستورات دینی، از کسانی صادر می شود که علم و آگاهی آنان خطاناپذیر است، پس یقین به اثربخشی و مفید بودن این دستورات دارند.

معیاری که برای حلیت گوشت آبزیان بیان شده این است که دارای پولک (فلس) باشند.

چنان که در روایتی [۳] محمد بن مسلم از امام باقر (ع) می پرسد: برای ما ماهی که دارای قشر (پولک) نیست می آورند، امام فرمود: "هر ماهی که دارای قشر است بخور و هرچه که قشر ندارد، نخور. منظور از قشر یا لایه، همان فلس و پولک است، چنان که در روایات آمده است. [۴]

البته منظور این است که در اصل خلقت دارای پولک باشد و لو این که در اثر عوامل محیطی و یا نحوه زندگی ماهی از بین رفته باشد، چنان که در روایات آمده است. [۵]

در مورد حلیت میگو روایت خاص داریم که "خوردن آن اشکال ندارد و میگو نوعی از ماهی است". [۶]  
در باره فلسفه حلیت آن احتمالاتی وجود دارد:

همچنین در مورد حرمت خرچنگ روایت خاص داریم که "خوردن جری (نوعی ماهی) و لاک پشت و خرچنگ حرام است". [۸]

این روشن است که خرچنگ از نوع ماهیان فلس دار نیست.

حال با توجه به نکاتی که گفته شد، حلیت میگو و حرمت خوردن خرچنگ در اسلام روشن است و لو این که به طور دقیق نتوانیم تفاوت جوهری و نوعی، این دو را بیان کنیم و اگر پیشرفت های علمی تا به حال نتوانسته تفاوت های ماهوی و جوهری بین این دو را کشف کند، دلیل نمی شود که تفاوت جوهری نداشته باشند. امید است که متخصصان علم جانورشناسی و یا غذاشناسی در آینده بتوانند با گسترش تحقیقات بدان دست یابند. ۱. بر اساس نظریه صحیح و درست که فقها و دانشمندان شیعه بدان معتقدند، احکام خداوند بر اساس مصالح و مفاسد است؛ یعنی اگر انجام عملی دارای منفعت مهم و حیاتی است، آن عمل واجب خواهد بود، یا اگر منفعت آن حیاتی نباشد آن عمل مستحب است و اگر انجام عملی، دارای ضرر خطرناک و مهلک باشد، انجام آن حرام و اگر ضرر آن



خطرناک و مهلك نبوده، مکروه است و در صورتی که منفعت یا ضرر آن غالب نباشد و مساوی الطرفین باشد، آن عمل مباح است. البته منظور از منفعت و ضرر صرف منفعت و ضرر مادی نیست، بلکه به معنای عام و گسترده است که به جامعیت و گستردگی ابعاد وجودی انسان می باشد. ۲. هرچند اصل کلیت این قاعده که احکام الاهی بر اساس مصالح و مفسدات است، قطعی و یقینی است، ولی کشف مصالح و مفسدات در جزئیات و مصادیق، بسیار مشکل است. ۳. هرچند فهم علت و فلسفه احکام مشکل است، ولی پیدا نمودن ضوابط کلی احکام، امر ممکن است. البته کلیت در مسائل حقوقی، مثل کلیت در مسائل فلسفی نیست که استثنا ناپذیر باشد، بلکه کلیت در مسائل حقوقی و اجتماعی به معنای اکثری است، لذا قابل استثناست. ۴. در مورد ضوابط کلی، حیوانات حلال گوشت و حرام گوشت، معیارهای متعددی در روایات از ائمه (ع) بیان شده است؛ مثلاً برای حیوانات خشکی، یک سری ضوابط بیان شده، برای پرندگان ضوابط دیگر و برای حیوانات دریایی ضوابط دیگر.

۱. میگو از نوع ماهیان فلس دار است و لو این که با چشم غیر مسلح دیده نمی شود. ۲. میگو در اصل خلقت دارای فلس بوده و بعدها از بین رفته است. ۳. میگو از نظر نوع و جنس، گرچه فلس دار نیست، ولی از نظر حکم در حکم ماهی فلس دار است و خوردن آن اشکال ندارد. به عبارت دیگر، این نوع از حیوان دریایی به جهاتی که فعلاً بر ما معلوم نیست و لو این که فلس ندارد، استثنا شده و در روایات حکم به حلیت آن گردیده است. [۷]

۲- از نظر تغذیه ای، میگو در هر دوره از زندگی تغذیه ای متفاوت دارد. در دوران لآوری میگوها با فیلتر کردن آب دریا از موجودات زیر گیاهی و جانوری موجود در آن تغذیه می کنند. پس از گذشت دوران لآوری، میگو قطعات بزرگتر که شامل؛ پس مانده های غذاهای دریایی، گیاهی و لجن بستر می باشد استفاده میکند.

تنوع گونه ای از میگو

گونه های شاخصی از میگو عبارتند از :

۱- میگوی موزی یا صورتی

۲- میگوی سبز پلنگی

۳- میگوی سفید هندی

۴- میگوی سرتیز یا میگوی سائز کوچک که از نظر اقتصادی ارزش کم تری دارد .

#### ارزش غذایی میگو

میگو یکی از لذیذترین غذاهای دریایی است، ۱۰۰ گرم میگو، حاوی ۷۷ میلی گرم آب، ۹۹ کالری انرژی ۱/۱۸ گرم پروتئین، ۸/۰ چربی، ۱۶۳ میلی گرم کلسترول و ۹۱ میلی گرم قند است .  
از نظر مقایسه ای نسبت به سایر غذاهایی که پروتئین زیادی دارند نظیر گوشت ماهی و گروه ماکیان، میگو، کالری کم تری دارند . پروتئین موجود در میگو کیفیت بالایی داشته و حاوی تمام اسید آمینه های لازم جهت رشد می باشد .

پروتئین میگو همانند سایر جانوران دریایی به دلیل نداشتن بافت هم بند به راحتی هضم می شود . برای گروه هایی از مردم نظیر افراد مسن که در جویدن و هضم غذا مشکل دارند غذای حاوی میگو گزینه مناسبی برای تامین پروتئین روزانه آنها است .

میگوها در کل دارای چربی کمی می باشند، اسیدهای چرب امگا- ۳ که از دسته اسیدهای چرب غیر اشباع بوده و برای سلامتی مفید هستند، در میگوها به وفور یافت می شوند . این دسته از اسیدهای چرب می توانند در کاهش خطر بیماریهای قلبی موثر واقع شود.

اسیدهای چرب امگا- ۳ هم چنین اجزای ضروری برای غشا سلول مغز و بافت چشم است . میگو منبع غنی از ویتامین های A، B<sub>12</sub>، B<sub>6</sub>، C، D، E، و املاحی چون کلسیم، آهن، منیزیم، پتاسیم، سدیم، روی، مس، منگنز، و سلنیم است . علاوه بر این؛ کلسیم، آهن، روی، منیزیم، و فسفر میگو نسبت به سایر آبریان بیش تر است .

حکم حیوان آبی از کتب شرعی

۱- وَلَا حَيَّوَانٌ مَّائِيٌّ سَوَى سَمَكٍ لَمْ يَطْفُ . وَحَلَّ الْجَرَادُ وَأَنْوَاعُ السَّمَكِ بِلَا ذَكَاءٍ اسْمُ الْكِتَابِ: مختصر الوقایة

کتاب الذبائح ص ۱۴۴

۲- کتاب الذبائح

يحتاج إلى بيان: ما يباح أكله من الحيوان وما لا يباح، وما يكره. وإلى بيان شرائط الإباحة. وإلى بيان محل الذبح وكيفية، وإلى بيان ما يذبح به، وإلى بيان أهلية الذبح.

أما الأول فنقول: إن الحيوان على ضربين: ما لا يعيش إلا في الماء، وما لا يعيش إلا في البر.

أما الذي لا يعيش إلا في الماء:

فكله محرم الأكل، إلا السمك خاصة بجميع أنواعه، سوى الطافي منه: فإنه مكروه، لقوله عليه السلام: «أحلت لنا

ميتتان ودمان: السمك والجراد، والكبد والطحال» وهذا عندنا

اسم الكتاب: تحفة الفقهاء رقم الجزء: ٣ رقم الصفحة: ٦٣

٣- قَالَ (وَلَا يُؤْكَلُ مِنْ حَيَوَانَ الْمَاءِ إِلَّا السَّمَكُ) لِقَوْلِهِ تَعَالَى {وَيُحْرَمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثُ} وَمَا سِوَى السَّمَكِ خَبِيثٌ.

اسم الكتاب: الهداية ج ٤ ص ٤٤٠

٤- فيؤكل ويستوى في حل الأكل جميع أنواع السمك من الجريث، والمار ما هي وغيرهما لأن ما ذكرنا من الدلائل في إباحة السمك لا يفصل بين سمك وسمك إلا ما خص بدليل.

وقد روى عن سيدنا علي وابن عباس رضي الله عنهما إباحة الجريث والسمك الذكر ولم ينقل عن غيرهما خلاف ذلك فيكون إجماعاً. بدائع الصنائع

٥- قَوْلُهُ: (وَلَا يُؤْكَلُ مِنْ حَيَوَانَ الْمَاءِ إِلَّا السَّمَكُ وَيُكْرَهُ) (أَكَلُ الطَّافِي مِنْهُ) أَيْ مِنْ السَّمَكِ وَأَمَّا مَا تَلَفَ مِنْ شِدَّةِ الْحَرِّ أَوْ الْبُرْدِ فَفِيهِ رَوَايَتَانِ إِحْدَاهُمَا يُؤْكَلُ لِأَنَّهُ مَاتَ بِسَبَبِ حَادِثٍ وَهُوَ كَمَا لَوْ أَلْقَاهُ الْمَاءُ عَلَى الشَّطِّ، وَالثَّانِيَةُ لَا يُؤْكَلُ لِأَنَّهُ مَاتَ حَتْفَ أَنْفِهِ، وَلَوْ أَنَّ سَمَكَةً ابْتَلَعَتْ سَمَكَةً أَكَلْنَا جَمِيعًا لِأَنَّ الْمَبْلُوعَةَ مَاتَتْ بِسَبَبِ حَادِثٍ وَأَمَّا إِذَا خَرَجَتْ مِنْ دُبْرِ السَّمَكِ لَا تُؤْكَلُ لِأَنَّهَا قَدْ اسْتَحَالَتْ عَدْرَةً.

قَوْلُهُ: (وَلَا بَأْسَ بِأَكْلِ الْجَرِيثِ وَالْمَارْمَاهِي) لِأَنَّهُمَا مِنْ أَنْوَاعِ السَّمَكِ فَالْجَرِيثُ الْبُكَاسُ وَالْمَارْمَاهِي الْعَرَبِيُّ وَقِيلَ الْقَدُّ.

قَوْلُهُ: (وَيَجُوزُ أَكْلُ الْجَرَادِ وَلَا ذَكَاءَ لَهُ) لِقَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ [أَحَلَّتْ لَنَا مَيْتَتَانِ وَدَمَانِ فَالْمَيْتَتَانِ السَّمَكُ، وَالْجَرَادُ، وَالِدَمَانِ الْكَبِدُ، وَالطِّحَالُ] وَقَدْ رَوَى عَنْ أَبِي دَاوُدَ قَالَ: [غَزَوْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ سَبْعَ غَزَوَاتٍ نَأْكُلُ

الْجَرَادُ] وَسُئِلَ عَلِيُّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنِ الْجَرَادِ يَأْخُذُهُ الرَّجُلُ ، وَفِيهِ الْمَيْتُ فَقَالَ: كُلُّهُ كَلْبٌ وَهَذَا عَدٌّ مِنْ فَصَاحَتِهِ وَدَلَّ عَلِيٌّ إِبَاحَهُ الْجَوْهَرُ النَّبِيرُ ~

٦- قَالَ فِي الْهَدَايَةِ وَلَا بَأْسَ بِأَكْلِ الْجَرِيثِ وَالْمَارْمَاهِيِّ وَأَنْوَاعِ السَّمَكِ وَالْجَرَادِ بِلَا ذِكَاةٍ قَالَ الْأَنْقَانِيُّ ، وَالْجَرِيثُ الْجَرِيٌّ مِنْ أَنْوَاعِ السَّمَكِ إِنَّمَا أُحِلَّ لِغُيُومٍ قَوْلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ [أُحِلَّتْ لَنَا مَيْتَانِ وَدَمَانِ السَّمَكِ وَالْجَرَادُ وَالْكَبِدُ وَالطِّحَالُ كُنَزُ الدَّقَائِقِ

از نظر فقهاء مذهب حنفی حیوان که در آب زندگی می کنند غیر از ماهی کلاً حرام است اما انواع ماهی در هر شکلی باشد حلال است و حال اینکه میگو قطعاً از جمله حیوانات آبی می باشد اما آیا از جنس ماهی است یا خیر اختلاف نظر است.

سوال: آیا تا حال فتوایی از طرف علمای معاصر صادر شده یا خیر؟

جواب: بله بارها بر حلیت میگو فتوا صادر شده است که یک نمونه از این فتواتها که مربوط به محمود الفتاوی است را می آوریم:

پرورش میگو، لا بستر و خوردن آن

سوال: چه می فرمایند علمای دین مبین اسلام در مسئله ذیل:

طرح پرورش میگو (ملخ دریایی) و لا بستر جهت فروش برای امرار معاش و مصرف آن (خوردن) برای مسلمانان چه حکمی دارد؟

الجواب باسم ملهم الصواب

خوردن میگو (ملخ دریایی) مباح است و اکثر علماء به آن فتوا داده اند:

ودليله:

{ واما الروبيان او الاربيان الذی یسمى فی اللغة المصریة {جمبری} او فی اللغة الاردیة {جهینگا} و فی الانجلیزیة {

shrimp یا prawn} فلا شک فی حلتہ عند الائمه الثلاثه، لان جمیع حیوانات البحر حلال عندهم واما

عند الحنیفة، فیتوقف جوازه علی انه سمک اولاً؟ فذکر غیر واحد من اهل اللغة انه نوع من السمک، قال ابن درید فی

جمهرة اللغة ٣ - ١٤ و اربيان ضرب من السمك، و اقره في القاموس وتاج العروس ١ - ١٤٦ و كذلك قال الدميري في حياة الحيوان: ١ - ٤٧٣. {الروبيان هو السمك الصغير جداً احمر، و افتي غير واحد في الحنيفه بجوازه بناء على ذلك مثل صاحب الفتاوى الحمادية وقال شيخ مشايخنا التهانوي رحمه الله في امداد الفتاوى: ٤ - ١٠٣: {لم يثبت بدليل ان السمك خواص لازمة تنفي السمكية بانتفائها فالمدار على قول العدول المبصرين..... وان حياة الحيوان الدميري الذي يبحث عن ماهية الحيوان يصرح بان الروبيان هو سمك صغير احمر فاني مطمئن الى الان بانه سمك و لعل الله يحدث بعد ذلك امراً}. و لكن خبرا علم الحيوان اليوم لا يعتبرونه سمكا ويذكرونه كنوع مستقل: ويقولون انه من اسرة السرطان دون السمك وتعريف السمك عند علماء الحيوان على ما ذكره في دايرة المعارف البريطانية: ٩ - ٣٠٥ طبع ١٦٥٠ م: {هو حيوان ذو عمود فقري يعيش في الماء ويسبح بعواماته ويتنفس بغلصمته وان الاربيان ليس له عمود فقري ولا يتنفس بغلصمته، وان علم الحيوان اليوم يقسم الحيوانات الى نوعين كبيرين: الاول الحيوانات الفقرية وهي التي لها عمود فقري في الظهر ولها نظام عصبى يعمل بواسطته، والثاني: الحيوانات الغير الفقرية التي ليس لها عمود فقري، وان السمك يقع في النوع الاول، وان الاربيان في النوع الثاني الذي ذكر في دائرة البريطانية ٦/٣٦٣ طبع ١٩٨٨ م. ان التسعين في المائة من الحيوانات الحية تتعلق بهذا النوع وانه يحتوى على الحيوانات القشرية والحشرات... الخ.

وان هذه التعريفات لاتصدق على الاربيان، وانه ينفصل عن السمك بانه ليس من الحيوانات الفقرية؛ فلو اخذنا بقول خبراء علم الحيوان فانه ليس سمكاً فلا يجوز على اصل الحنفية. ولكن السؤال هنا: هل المعتبر في هذا الباب التدقيق العلمى في كونه سمكاً؟ او يعتبر العرف المتفاهم بين الناس؟ ولا شك ان عند اختلاف العرف يعتبر عرف اهل العرب لان استثناء السمك من ميتات البحر انما وقع باللغة العربية وقد اسلفنا ان اهل اللغة امثال ابن دريد والفيروز آبادي والزبيدي والدميري كلهم ذكروا انه سمك فمن اخذ بحقيقة الاربيان حسب علم الحيوان قال بمنع اكله عند الحنفية ومن اخذ بعرف اهل العرب قال بجوازه وربما يرجع هذا القول بان المعهود من الشريعة في امثال هذه المسائل الرجوع الى العرف المتفاهم بين الناس دون التدقيق في الابحاث النظرية فلا ينبغي التشديد في مسألة الاربيان عند الافتاء ولا سيما في حالة كون المسألة مجتهداً فيها في اصلها ولا شك انه حلال عند الائمة الثلاثة وان اختلاف

الفقهاء يورث التخفيف كما تقرر في محله غير ان الاجتناب عن اكله احوط واولى واحرى . والله سبحانه وتعالى اعلم.

تكملة فتح الملهم جلد ۳ صفحه ۵۱۴

اما حكم پرورش میگو و ماهی لابستر و فروش آن جائز است ، بنا به دلیل زیر :

«ويصح عندهم (اي الحنفية) بيع كل ذى ناب من السباع كالكلب والفهد والاسد والنمر والذئب والهرة ونحوها لان الكلب ونحوه مال بدليل انه منتفع به حقيقة ، مباح الانتفاع به شرعاً على الاطلاق كالحراسة والاصطياد فكان مالا، ويصح بيع الحشرات والهوام كالحيات والعقارب اذا كان ينتفع به ..... والضابط عندهم (اي الحنفية) ان كل ما فيه منفعة تحل شرعا ، فان بيعه يجوز لان الاعيان خلقت لنفعة الانسان ؛ بدليل قوله : هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً

الفقه الاسلامي وادلته جلد ۴ صفحه ۴۴۶

پس فروش و پرورش میگو و لابستر جائز است اما حكم حلت لابستر اگر از نوع ماهی است خوردن آن جائز است اما چون حقیقت لابستر برای ما تا حال مشخص نیست لذا در خوردن لابستر حكم قطعی صادر نمی شود .

بنقل از محمود الفتاوی جلد ۴ صفحه ۷۶۳ الی ۳۶۵

نتیجه مقاله و حكم نهایی در مورد میگو :

دلیل شرعی بر حلالیت ماهی عام است (سمک باشد حلال است) اما برای ما شرعا اثبات نشده است که با چه خصوصياتی سمکیت ماهی منتفی می شود ، لذا جهت شناخت سمک به اقوال علماء لغت و علمائی که از ماهیات حیوانات (زیست شناسان امروزی) بحث می کنند رجوع کردیم :

علماء لغت امثال دمیری مصنف حیاة الحيوان وابن دريد از علماء معروف علم لغت و لغویون دیگر ، میگو را از جمله ماهی ها (سمک) می دانند پس بنا بر نظریه اینها تناول میگو حلال و جائز می باشد .

اما زیست شناسان امروزی میگو را یک نوع حیوان مستقل آبی از نوع سرطان (خرچنگ دریایی) می دانند پس بنا بر نظریه اینها تناول میگو حرام و ممنوع می باشد .

اما سوال اینجاست؟

اگر حلالیت میگو در فقه حنفی تعلق به ماهی بودن آن داشته باشد، در شناخت ماهیت میگو قول کدام یک از فریقین معتبر است؟ و چرا؟

جواب: به نظر بنده طبق برداشتی که از مطالعه کتب فقهاء و از بررسی فتاوی علماء معاصر بدست آوردم قول فریق اول (لغویون) معتبر است چون در مورد احکامی که نصّی درباره آن وجود ندارد عرف معتبر است («ما لا نصّ فیہ حمل علی العرف» ملتقى الأبحر ج ۲ ص ۸۳) و حکمی که با دلالت عرف ثابت شود مانند حکمی است که با دلالت نص ثابت شده باشد («والثابت بدلالة العرف كالثابت بدلالة النص» المبسوط ج ۴ ص ۲۱۲) و حال در اینجا دو عرف وجود دارد یکی عرف اهل لغت و دومی نظریه زیست شناسان، کدام یک از این دو معتبر است؟ در این شکی نیست که در اختلاف عرف، عرف اهل عرب معتبر است زیرا اینکه استثناء سمک از میتات البحر به لغت و زبان عربی واقع شد «أُحِلَّتْ لَنَا مَيْتَاتَانِ وَدَمَانٌ: السَّمَكُ وَالْجَرَادُ، وَالْكَبِدُ وَالطَّحَالُ» و در صفحات مذکور بیان شد که اهل لغة عرب امثال ابن درید و دمیری و صاحب منجد، لسان العرب، قاموس المحيط و دیگر لغت دانهای معروف عرب همگی میگو را جزء سمک و از حیوانات مأکول دریایی نام برده اند و در اینگونه مسائل باید به عرف مراجعه کرد نه اینکه با اقوال و نظریه زیست شناسان مطابق کرده شود پس تجسس و تشدید در این مساله لائق نمی باشد.

نتیجه نهایی:

خوردن میگو و خرید و فروش آن جائز و بلا مانع می باشد اما بناء بر احتیاط و از باب تقوی پرهیز از تناول گوشت آن بهتر است ولی از باب فتوی تناول آن حلال می باشد. واللہ اعلم.